این کتاب سپس به اقوال فرقه های چهارگانه می پردازد و می نویسد:

«الشافعية- قال الإمام الغزالی فی الإحیاء: النصوص تدل علی اباحة الغناء و الرقص و الضرب بالدف و اللعب بالدرق و الحراب، و النظر إلی رقص الحبشة و الزنوج فی أوقات السرور قیاسا علی یوم العید فإنه وقت سرور. و فی معناه العرس، و الولیمة، و العقیقة، و الختان، و یوم القدوم من السفر، و سائر أسباب الفرح، و هو کل ما یجوز به الفرح شرعا، و یجوز الفرح بزیارة الإخوان و لقائهم و اجتماعهم فی موضع واحد علی طعام أو کلام فهو أیضا مظنة السماع.»[1]

توضیح:

۱. غزالی از شافعیه می گوید، نصوص دلالت دارد که غنا و رقص و دف زدن و بازی با دَرَق [سپرهای پوستی] حراب [آلت های جنگی، چوب دستی]، نگاه به رقص حبشی ها و زنگی ها در وقت سرور (مثل روزهای عید)، مباح است.

۲. از زمره ایام سرور، عروسی ها، مجالس ولیمه، عقیقه، ختنه سوران، روز بازگشت از سفر و سایر روزهای خوشی (هرچیزی که شارع شادی را در آن جایز دانسته است)

۳. خوشی در دیدار دوستان و اجتماعات آنها جایز است.

الجزیری، خود می نویسد که مراد غزالی از جواز رقص، رقص مردان برای هم در جایی که موجب گناه نشود است و رقص زن یا پسر بچه برای مردان را اراده نکرده است و هم چنین اگر در غنا الفاظ مستهجن باشد، غزالی آن را حرام می داند ولی دلیل غزالی بر جواز رقص حبشی ها و زنگی ها را اجرای آن در مسجد رسول الله بر می شمارد:

«و قد استدل الأستاذ الغزالی علی إباحة الرقص: برقص الحبشة و الزنوج فی المسجد النبوی یوم عید حیث أقرهم رسول اللّه صلی الله علیه و سلم علیه.»[2]

غزالی همچنین در احیاء العلوم می گوید:

«و نقل فی الإحیاء أیضا أن الشافعی قال: لا أعلم أحدا من علماء الحجاز کره السماع إلا ما کان منه فی الأوصاف، فأما الحداء و ذکر الأطلال و المرابع و تحسین الصوت بألحان الأشعار فمباح. و قال:

۱. جزیری، عبد الرحمن – غروی، سید محمد – یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البیت علیهم السلام، ج۲، ص ۷۷.

۲. همان.

@seyedhasankhomei

إن الذی نقل عن الإمام الشافعی: من أن الغناء لهو مکروه یشبه الباطل لا ینافی إباحته، لأنه إنما یرید القسم الممنوع منه، علی أن مراده باللهو و العبث، لیس بحرام إلا إذا ترتب علیه محظور شرعی، و کذلک ما یشبه الباطل، و قد أطال فی الاستدلال علی إباحة الغناء فارجع إلیه إن شئت.»[1]

الجزیری سپس به نقل اقوال سایر فرق می پردازد:

«الحنفیة- قالوا: التغنی المحرم ما کان مشتملا علی ألفاظ لا تحل کوصف الغلمان، و المرأة المعینة التی علی قید الحیاة، و وصف الخمر المهیج لها، و وصف الحانات، و هجاء المسلم أو الذمی إذا کان غرض المتکلم الهجاء، أما إذا کان غرضه الاستشهاد أو معرفة ما فیه من الفصاحة و البلاغة فإنه لیس بحرام، و کذا إذا اشتمل علی وصف الزهریات المتضمنة وصف الریاحین و الأزهار، أو اشتمل علی وصف المیاه و الخیال و السحاب و نحو ذلک فإنه لا وجه لمنعه، انتهی من شهادات فتح القدیر.

فما نقل عن أبی حنیفة من أنه کان یکره الغناء و یجعل سماعه من الذنوب، فهو محمول علی النوع المحرم منه، و یکره تحریما عند الحنفیة اللعب بالنرد و الشطرنج و ضرب الأوتار من الطنبور و الرباب و القانون و المزمار و البوق و نحو ذلک کما یأتی فی المسابقة.

المالکیة- قالوا: إن آلات اللهو المشهرة للنکاح یجوز استعمالها فیه خاصة کالدف «الطبل» و الغربال «الطار» إذا لم تکن فیه صلاصل، و الزمارة و البوق إذا لم یترتب علیهما لهو کثیر؛ و یباح ذلک للرجال و النساء. و قال بعضهم: إنه یباح خاصة، و بعضهم یقول: إنه یجوز ذلک فی العرس و عند العقد و فی کل سرور حادث فلا یختص بولیمة النکاح. أما الغناء فإن الذی یجوز منه هو الرجز الذی یشبه ما جاء فی غناء جواری الأنصار:

أتیناکم أتیناکم فحیونا نحییکم

و لو لا الحَبَّةُ السمرا ءُ لم نَحلُل بوادیکم [حبّةُ السمراء: دانه گندم (سمراء: گندم) شعر را در مقام طلب ولیمه می خوانده اند]

الحنابلة- قالوا: لا یحل شیء من العود و الزمر و الطبل و الرباب و نحو ذلک کما لا یحل النرد و

۱. همان، ص۷۸.

@seyedhasankhomei

الشطرنج و نحوهما، إذا اشتملت الوليمة على شيء منه فإنه لا يحل الإجابة إليها، أما الغناء فإن تحسين الصوت و الترنم فی ذاته مباح، بل قالوا: إنه مستحب عند تلاوة القرآن إذا لم يفض إلى تغيير حرف له أو إلى زيادة لفظة، و إلا حرم. فالترنم و تحسين الصوت بعبارات الوعظ و الحكم و نحوها كذلک. و قالوا: إن قراءة القرآن بألحان مكروهة، و إن السماع مكروه.»[1]

۱. همان، ص۷۸.

@seyedhasankhomei